

مجموعه
ابزارهای دوزخی
ساهرزاده کوکی

مؤلف:
کاساندا کمر

مترجم:
مرضیه کدخدایی



انتشارات اردیبهشت

کلر، کاساندر، ۱۹۷۲ م. - Clare, Cassandra

شاهزاده کوکی/ نویسنده کاساندر کلر؛ مترجم مرضیه کدخدایی؛ ویراستار سارا فارسیجانی.

تهران: اردیبهشت، ۱۳۹۷.

۵۰۴ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ سم.

مجموعه ابزارهای دوزخی؛ ۲.

978-964-171-311-1

978-964-171-378-4

وضعیت فهرست نویسی: فیا

Clockwork prince, 2015: عنوان اصلی:

داستان‌های آمریکایی -- قرن ۲۱ م.

American fiction -- 21st century

کدخدایی الیانرانی، مرضیه، ۱۳۷۰، مترجم

PS/۲۶۱۹ / ل ۱۳۹۶ ۱۲۳ ش

۶/۸۱۳

۴۹۴۴۶۵

سرشناسه

عنوان و نام پندآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

فروست

شابک

شابک دوره

یادداشت

موضوع

رُضوخ

شماره افزوده

رده بندی کنگره

رده بندی دی

شماره شناسی



انتشارات اردیبهشت

آدرس: خیابان انقلاب - ۱۲ فروردین - پلاک ۳۱۶ - طبقه اول

تلفن: ۶۶۴۹۷۶۱۳ - ۶۶۴۸۰۰۰۰ تلفن: ۶۶۴۹۲۸۷۶ کدپستی: ۶۵۱۱۱ - ۱۳۱۴۶

www.ordibeheshtpub.ir

Pub_Ordibehesht@yahoo.com

عنوان کتاب: شاهزاده کوکی

نویسنده: کاساندر کلر

مترجم: مرضیه کدخدایی

ویراستار: سارا فارسیجانی

مدیر امور فنی: امیر هوشنگ اسکندری

لیتوگرافی و چاپ: هنر آفاق

نمونه خوانی و صفحه آرایی: محمد دسترس

تیراژ: ۱۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷

شابک: ۱- ۳۱۱-۱۷۱-۹۶۴-۹۷۸ شابک دوره: ۴- ۳۷۸-۱۷۱-۹۶۴-۹۷۸

قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان قیمت دوره: ۱۲۰۰۰۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

فهرست

۵	مقدمه
۹	پیش درآمد
۱۳	اتاق شورا
۳۵	غرامت
۵۴	مرگ ناملالانه
۷۴	سفر
۱۰۱	سایه های گمشده
۱۲۷	سکاه ماه و موم شده
۱۴۰	نورین
۱۶۱	سایه ای بر روی
۱۸۵	نیمه شب فشمکین
۲۰۶	پرهیزکاری درشتگان
۲۳۶	آشفتنی طوفانی
۲۴۸	بخش بالاماسکه
۲۹۶	شمشیر مرگ بار
۳۲۲	شهر خاموش
۳۵۱	هزاران روز دیگر
۳۷۲	فشم فانی
۳۹۰	در رویا
۴۱۲	تازمانی که بمیرم
۴۳۰	اگر خیانت کامروا می شد
۴۴۹	روشنه تلخ
۴۷۵	زغال های آتشین

در طول سال‌های کاری‌ام به‌عنوان یک نویسنده، خوانندگان کتاب‌هایم مدام از من می‌پرسند که آیا داستان‌هایم را از خواب‌هایم الهام می‌گیرم یا نه. جواب من به این پرسش همیشه این است که ای کاش این‌گونه بود. به نظر راه جالبی برای پیدا کردن ایده می‌رسد. از خواب بیدار شوی و مثل تسخیرشده‌ها شروع به نوشتن داستان کنی. متأسفانه خواب‌هایی که در مورد شخصیت‌هایم می‌بینم همگی مهم‌اند. مثلاً همه‌ی شخصیت‌هایم در صف صندوق مغازه‌ی خواروبار فروش جلویم ایستاده‌اند و سبدهایشان پر از خرید است. این برای پیدا کردن ایده‌ی داستان ابزارهای دوزخی رویای غیرمعمول‌یست. چیزی که باعث پیدایش این ایده شد خواب نبود بلکه یک رویای روز بود^۱.

برای تکمیل هر داستان‌ها، اولین کتاب از مجموعه‌ی خاندان شکارچیان سایه، به لندن سفر کردم. روی پل راهبان سیه‌پوش^۲ که پلی زیبا و قدیمی بر روی رودخانه‌ی تاملز است، قدم می‌زدم. هوا ابری بود و مه سرتا سر پل را پوشانده بود. به نرده‌ی پل تکیه کردم و به آب زیر پل نگاه کردم.

به این فکر می‌کردم که در تمام این سال‌ها پل شاهد چه صحنه‌هایی بوده و چطور در برابر آن‌ها ایستادگی کرده است. کم‌کم تصویر یک دختر موقه‌پوه‌ای و یک پسر با لباس‌های ویکتوریایی^۳ در ذهنم شکل گرفت و همان‌طور که آن‌ها را در یک قاب روی پل تصور می‌کردم، یک ارتش از هیولاهای کوکی مخفی شده در میان سایه‌ها از لابه‌لای غبار پدیدار شد.

با احساس مشوش به خانه برگشتم. داستان‌ها، غریب و دل‌زدنده شروع به شکل گرفتن کرد. لندن را به دلیل نزدیکی به پل راهبان سیه‌پوش به عنوان محل وقوع داستان در نظر گرفتم. می‌دانستم که پل مرکز قهقهه‌ها بود. بعد از سیاحتی در اطراف لندن با استفاده از یک نقشه ۱۸۷۹ که کمک زیادی به گم‌شدن می‌کرد تصمیم گرفتم کلیسای سنت‌براید^۴ در خیابون فلیت مکان مورد

1. Day Dream

مجموعه‌ای از افکار که توجه فرد را از حال حاضر به خود معطوف می‌کند. فروید نظریاتی مبنی بر یافتن ایده‌های هنرمندان از رویای روز خود عنوان کرده است.

2. Blackfriars

۳. دوران سلطنت ملکه ویکتوریا از ۲۰ جون ۱۸۳۷ تا زمان مرگ او در ۲۲ ژانویه ۱۹۰۱.

4. Saint Bride.s



نظر برای انجمن باشد. کلیسای زیبایی که در دوران حمله‌ی بلتیس^۱ توسط بمب آسیب دیده بود.

سال ۱۸۷۸ را به دلیل آن‌که دوره‌ی انتقال انگلیس قدیمی به جدید است انتخاب کردم. زمانی که خدمات ریلی منظم، چراغ‌های گازی و جوی‌های پر از گنداب وجود داشتند و با گذشت زمان هنوز هم درخشش و زیبایی آن دوره حفظ شده است. به نظر فضای فوق‌العاده‌ای برای به تصویر کشیدن سه جوان بود که به دنبال شناخت خود و توانایی‌هایشان هستند. به‌خصوص زمانی که داستان به دختر جوانی می‌رسد که متوجه می‌شود سرنوشت او چیزی بیشتر از یک ازدواج برنامه‌ریزی شده است و یک عشق غیرعادی برای او مقدر گردیده است.

به عقیده من داستان‌های تاریخی نزدیک‌ترین واسطه برای سفر در زمان هستند. من می‌دانم که جای ممکن احساس کنم در دوران ابزارهای دوزخی نفس می‌کشم و زندگی می‌کنم. بنابراین برنامه‌ریزی کردم و تا شش ماه چیزی به جز کتاب‌های نوشته شده در دوره‌ی میانه و اواخر ویکتوریایی نخواندم.

در تحقیق غوطه‌ور شدم. خیلی زود تصور کردم به جای ماشین، اسب‌هایی را می‌بینم که کالسکه را به دنبال خود می‌کشند. توانستم بوی رودخانه‌ی تایمز را احساس کنم و صدای زنگوله‌ی گارما را. هنوز می‌خواستم خواننده‌ها احساس نزدیکی با گذشته داشته باشند تا درد را شوی یک شخصیت متعلق به دوران متأخر برایشان واقعی و حقیقی باشد. دورانی که با مرگ احاطه شده بود. ناخوشی‌هایی که امروزه به راحتی درمان می‌شوند بسیار شایع بودند و بیماری‌هایی که ما امروز می‌شناسیم به پیچیدگی و ابهام افسانه‌ها بودند. دنیای حقیقی گذشته به خوبی با دنیایی که من برای شکارچیان دایه، سیادل شیطانی و جادوگران تصور کرده بودم هماهنگ شد و به آن عمق و غنای بخشید. دنیایی که یک قهرمان آن روح‌های درمانده را می‌بیند و با آن‌ها حرف می‌زند و دیگری محکوم به مرگ است. مرگی مهلک و افسانه‌ای که هیچ تلاشی برای نجات او نتیجه‌بخش نیست. درست مثل قربانیان زمان ویکتوریایی که به خاطر نبودن

1. Blitz

مبارزون هوایی در خلال جنگ جهانی دوم از سوی آلمان نازی علیه بریتانیا که ۵۷ شب پی‌درپی طول کشید و بیش از ۴۰۰۰ نفر کشته شدند.

پنیسیلین^۱ جان می‌باختند. خواهران برونته^۲، نویسندگان کتاب‌های بلندی‌های بادگیر^۳ و جین ایر^۴، به خاطر بیماری سل جان خود را از دست دادند و من برای نشان دادن احترام و دین خودم به کار آن‌ها رئیس انجمن لندن را شارلوت برانول نامیدم. آن زمان، دوره‌ی سختی برای نفوذ و توانایی یک زن در دنیای شکارچیان سایه و دنیای واقعی بوده است اما شارلوت بر آن فائق می‌شود. تسا، شارلوت، سوفیا و ژاسمین، شیرزن‌هایی هستند که من آن‌ها را ستایش می‌کنم. زنانی که با قضاوت تبعیض‌آمیز دشوارتر از آن‌چه ما امروز حس می‌کنیم دست و پنجه می‌کردند.

برای نوشتن این مجموعه، من خودم را در کتاب غوطه‌ور کردم و در این مجموعه نیز دریا از شخصیت‌ها الهام و آسایش خویشتن را در کتاب میابند. تسا و ویل مغلوب داستان دوشیزان دیکنز می‌شوند که در آن یکی از قهرمان‌ها خود را روحی محکوم به تنهایی می‌داند. ویل هم فکر می‌کند که محکوم به گمراهی است و هیچ‌کس او را دوست نخواهد داشت اما در جریان داستان متوجه اشتباهش می‌شود. جیمز کارستیر، به ریزن دوست او، در حال مرگ است و باور دارد که برای او مرگی بدون عشق رقم خورده مثل جان کیتس^۵ شاعر که جیمز در اصل از او الهام گرفته شده است. ویل و جیمز به یکدیگر عشق می‌ورزند. آن‌ها برادر غیرخونی هستند و غیر از این محبت جز دیگری برای امیدواری ندارند. آن‌ها راه چاره را در تسا میابند چرا که تسا به امید باور دارد. نه فقط به این دلیل که شیرزن داستان و بی‌باک است بلکه به این خاطر که امید را در کتاب پیدا می‌کند.

تسا خوره‌ی کتاب است. او تنها به کارهای کلاسیک مثل دیکنز و بره‌ننه علاقمند نیست بلکه تعداد زیادی از رمان‌های معاصرش را که من در دوره‌ی شش ماهه‌ام مطالعه می‌کردم، خوانده است. مثل من مضرانه هم کتاب‌های برجسته و هم سطح پایین را می‌خواند و از هر دو نوع هم لذت می‌برد.

1. Penicilin.

2. Bronte Sisters.

3. Wuthering Heights.

4. Jane Eyre

5. John Keats شاعر رومانیک انگلیسی



او یاد گرفت که توانایی تغییر شکل خود را دارد. می‌تواند زندگی واقعی را در زیر پوست شخصیت‌های داستان‌هایی که می‌خواند، بلغزاند و بازتاب دهد. من می‌خواهم که شیرزن داستان مثل من و خوانندگان داستانم در کتاب‌ها جست‌وجو کرده باشد. دختری که می‌فهمد می‌توان از طریق کتاب تجربه کرد که عشق همان قدر که شگفت‌انگیز است، می‌تواند غم‌انگیز باشد. می‌فهمد بجاعت و مهربانی می‌تواند از او حفاظت کند و به طرز حیرت‌آوری توانایی تغییر خود را دارد. من می‌خواهم هر دختری که ابزارهای دوزخی را می‌خواند احساس کند می‌تواند قهرمان یک داستان باشد حتی قهرمان این داستان.

آرزو می‌کنم که بدانی آخرین روبان من بودی...

از زمانی که تو را شناختم، افسوس می‌خورم که گرفته‌ام که هرگز فکر نمی‌کردم دوباره مرا سرزنش کند. زمزمه‌ای آشنا می‌آید. می‌اندیشم برای همیشه خاموش شده است مرا به سمت آسمان می‌خواند. من تصورات بی‌همی از تلاش دوباره داشتم. شروعی جدید، زدودن کاهلی و هوسرانی‌هایم. این مبارزه‌ی رها شده را به پایان برسانم. یک رویا بود. تمام این‌ها رؤیایی بود که عقیق می‌آید. داستان دو شهر، رولز دیکنز